



DOI: <https://doi.org/10.22034/isqs.2026.53748.2462>
Print ISSN: X2588-414
Online ISSN: X2783-5081
Pages: 58-79

Received: 2025.11.13
Accepted: 2026.6.6

Original Research

Striving (*sa'y*) as the Axis of Human Responsibility and Destiny in Quranic Discourse: An Analytical Reading of Verse 39 of Surah An-Najm

Ahmad Gharaee Sultan Abadi ¹ 

Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Vali-e-Asr University of Rafsanjan, Iran.

Introduction

This research presents a comprehensive investigation into the semantic and ontological role of "*Sa'y*" (human effort) in determining human destiny, focusing on the pivotal Quranic verse: "And that there is not for man except that [good] for which he strives" (Q. 53: 39). The central inquiry of this study addresses how human agency, moral responsibility, and divine justice are interconnected in Quranic discourse, and how this fundamental principle reconciles with the theological concepts of intercession, charity on behalf of the deceased, and the transfer of spiritual rewards. Moving beyond simplistic literal interpretations, this study proposes that "*Sa'y*" functions as the core existential axis of human responsibility, establishing that human destiny is strictly tied to one's conscious, intentional actions.

Materials & Methods

The methodology employed in this study is primarily descriptive, analytical, and semantic, grounded in Quranic evidence, classical and contemporary exegetical works, and linguistic analysis. To ensure theological and conceptual rigor, the research analyzes the semantic

¹. Ah.gharaee@vru.ac.ir

network of the root *s-ʿ-y* (سعی) across its thirty occurrences in the Quran. Furthermore, classical interpretations (such as those of Tabari, Tusi, Tabarsi, Ibn Kathir, Fakhr al-Din al-Razi, and Allameh Tabataba'i) are systematically compared and synthesized alongside linguistic lexicons (such as *Al-Mufradat* by Raghib Isfahani and *Lisan al-Arab*) to delineate the precise boundaries of "*Sa ʿy*" and its existential implications on human agency.

Discussion & Results

The semantic and contextual analysis yields several significant results:

1. *Intentionality and Agency*: Linguistic analysis reveals that *Sa ʿy* in Quranic terminology is not merely physical movement or external behavior. Rather, it signifies conscious, voluntary, goal-directed, and intentional action. It is deeply connected to human will and internal cognition.
2. *Individual Responsibility*: Verse 39 of Surah An-Najm establishes an ontological and ethical law. It asserts that human salvation and spiritual elevation are strictly non-transferable. The absolute ownership of one's deeds defines human individuality in the hereafter.
3. *Reconciling Deceased Benefaction*: Regarding the theological challenges—such as the benefit of prayers, charity, and intercession for the deceased—the study demonstrates that these instances do not contradict verse 39 of An-Najm. These actions are either direct outcomes of the deceased's own earthly actions (e.g., leaving a righteous child, establishing ongoing charity) or operate within the framework of divine grace and spiritual alignment rather than the arbitrary transfer of merits. Consequently, the individualistic responsibility of human destiny remains spiritually and ontologically intact.

Conclusion

In conclusion, the Quranic discourse establishes a highly integrated ethical system where conscious effort (*Sa ʿy*) is the defining parameter of human destiny. Verse 39 of Surah An-Najm is not a mere moral exhortation but an ontological reality governing the relationship between human agency and divine justice. True salvation and spiritual outcomes are ultimately determined by active engagement and intentional striving, confirming that human responsibility cannot be bypassed or substituted by external agency.

Keywords: Quran, Verse 39 of Surah An-Najm, *Sa ʿy* (Effort), Human, Responsibility, Destiny.



DOI: <https://doi.org/10.22034/isqs.2026.53748.2462>

شاپای چاپی X2588-414

شاپای الکترونیکی X2783-5081


صفحات: ۷۹ - ۵۸

دریافت: ۱۴۰۴/۸/۲۲

پذیرش: ۱۴۰۵/۳/۱۶

مقاله پژوهشی

سعی؛ محور مسئولیت و سرنوشت انسان در گفتمان قرآن: خوانشی تحلیلی از آیه ۳۹ نجم

احمد قرائی سلطان آبادی^۲  دانشیار گروه علوم قرآن وحدیث، دانشگاه ولی عصر (عج)، رفسنجان، ایران.

چکیده

این پژوهش به واکاوی جایگاه «سعی» در تعیین سرنوشت انسان با محوریت آیه «وَ أَنْ كَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلاَّ مَا سَعَى» از سوره نجم می‌پردازد؛ آیه‌ای که نقش انسان را در رقم‌زدن فرجام خویش بنیادین می‌سازد و نسبت آن را با عدالت الهی، مسئولیت اخلاقی و مسئله انتقال ثواب روشن می‌کند. تحقیق حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و بر پایه منابع معتبر لغوی، شواهد قرآنی، سیاق آیات ۳۶ تا ۴۱ نجم، آرای مفسران و روایات، مفهوم «سعی» را به‌طور دقیق بررسی می‌نماید. یافته‌ها حاکی است که سعی در منطق قرآن صرفاً به عمل ظاهری محدود نیست، بلکه بر کوشش آگاهانه، ارادی و جهت‌مند دلالت دارد و از نیت و بینش انسان جدایی‌پذیر نیست. مطالعه آیات مرتبط نیز نشان می‌دهد که اصل «مسئولیت فردی» و «مالکیت انسان بر

^۲ ah.gharaee@vru.ac.ir.

عمل خویش» در سراسر قرآن جایگاهی محوری دارد. تحلیل روایاتِ مربوط به نفع‌رسانی اعمال دیگران به میت نشان می‌دهد این موارد، نه به معنای انتقال ثواب و افزودن بر نامه عمل فرد، بلکه در چارچوب هدایت، تنبّه و آثار تربیتی تفسیر می‌شوند. بر این اساس، آیه یادشده بر استقلال وجودی انسان در ساختن سرنوشت خویش تأکید می‌کند و نقش دیگران را به عرصه تأثیرگذاری معرفتی و هدایتی محدود می‌سازد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، آیه ۳۹ نجم، سعی، انسان، مسئولیت، سرنوشت.

۱. درآمد

قرآن کریم در گزینش کلمات و مفاهیم نقش آفرین در بیان و انتقال معنا و پیام خود از یک سری اصول ادبی و بلاغی تبعیت کرده است. بررسی و فهم این اصول به مخاطبان قرآن کمک می‌کند که در مواجهه به هر بخش از آیات این پرسش را مطرح کنند که آیا انتخاب فلان واژه یا لفظ دلیل خاصی داشته است؟ چرا به عنوان مثال به جای واژه احد در (قل هو الله احد) از لفظ واحد آن‌گونه که در آیه «قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ» (انعام: ۱۲) آورده، استفاده نکرده است، یا به جای فعل خلق در آیه «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ» (مؤمنون: ۱۲)، فعل (أنشأ) را نیاورده، آن‌گونه که در آیه «هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود: ۶۱) آورده است؟

در این پژوهش، مسئله بر سر فعل (سعی) در آیه «وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم: ۳۹) است که دقیقاً به چه معناست و در میان مفسران و مترجمان قرآن چه معنایی از آن اراده و بیان شده است؟ بعلاوه، چرا خداوند در این آیه همه بهره انسان برای سرنوشتش را در (ما سعی) او خلاصه کرده است؟ و اینکه آیا انسان از اعمال دیگران از قبیل پدر و مادر و همسر و فرزندان خود بهره و نصیبی خواهد داشت یا خیر؟ با وجود صراحت ظاهری آیه، درباره مفهوم «سعی» و حدود دلالت آن، دیدگاه‌های متفاوتی در میان مفسران شکل گرفته است. برخی، «سعی» را صرف عمل ظاهری دانسته‌اند و برخی دیگر آن را ناظر به کوشش آگاهانه و ارادی انسان تلقی کرده‌اند. همچنین این پرسش مطرح شده است که اگر انسان تنها مالک سعی خویش است، جایگاه مسائلی مانند دعا، صدقه، حج نیابتی، شفاعت و انتفاع اموات از اعمال زندگان چگونه تبیین می‌شود؟ آیا این امور با اصل «وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» تعارض دارند یا می‌توان آنها را در چارچوبی هماهنگ با نظام فکری قرآن تحلیل کرد؟

اهمیت این مسئله از آن روست که تفسیر آیه، تنها به یک بحث لغوی یا تفسیری محدود نمی‌شود، بلکه با مباحثی چون اختیار انسان، عدالت الهی، مسئولیت فردی، رابطه عمل و جزا، و حتی نحوه تأثیرگذاری انسان‌ها بر یکدیگر پیوند می‌یابد. از این رو، فهم دقیق مفهوم «سعی» و تحلیل شبکه معنایی آیات مرتبط با آن، می‌تواند در تبیین یکی از مبانی مهم انسان‌شناسی و عدالت‌شناسی قرآن نقش اساسی داشته باشد. بر همین اساس، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که مراد قرآن از «سعی» در آیه ۳۹ سوره نجم چیست و این مفهوم چه دلالتی بر مسئولیت انسان و نسبت او با اعمال دیگران دارد؟ برای پاسخ به این مسئله، پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع لغوی و تفسیری، نخست به بررسی معنانشناسی واژه «سعی» در لغت و کاربردهای قرآنی آن می‌پردازد، سپس آیات همسو با آیه مورد بحث و دیدگاه مفسران درباره حدود دلالت آن را تحلیل می‌کند و در ادامه، مسئله انتفاع انسان از اعمال دیگران، به‌ویژه در ارتباط با اموات، را در پرتو این اصل قرآنی مورد بررسی قرار می‌دهد.

۲. پیشینه پژوهش

از باب پیشینه موضوع هم مصطفوی (۱۳۵۲ش) در مقاله «لیس للانسان الا ما سعی» به جنبه‌هایی از بحث پرداخته و کوشیده به کمک آیات و روایات ثابت کند که تنها اعمال هر فرد عامل سعادت و شقاوت آدمی است. در این زمینه ایشان نظرات بعضی از مفسران را آورده و به واسطه گفتار آنان اشاراتی هم به موضوع انتفاع زندگان از مردگان داشته است.

برومند (۱۳۸۱ش) در مقاله «قرآن و نظریه تأثیر متقابل اعمال» در تلاش برای پاسخ به این سؤال که آیا میان اعمال آدمی و آینده زندگی او رابطه‌ای وجود دارد؟ به اصل نقش اعمال آدمی در آینده او اشاره کرده و برای تبیین مسئله پژوهش خود، آماری از اعمال مطرح شده در قرآن یعنی حدود ۱۰۸۶ عمل و عکس‌العمل ارائه داده است و به صورت نمونه مواردی را هم بیان داشته است. اما به صورت خاص بر بحث از آیه ۳۹ سوره نجم و انگاره‌های تفسیری آن و نیز نقش استقلال اعمال و نوع و تأثیر ارتباط اعمال زندگان برای مردگان و مسائل دیگر نپرداخته است.

نواب و عبدالله زاده (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «نفع بردن اموات از ثواب اعمال زنده‌ها از نگاه سلفیه و اهل سنت» به بررسی دیدگاه‌های علمای اهل سنت در موضوع نفع بردن اموات از ثواب اعمال زندگان پرداختند و ادله موافقان و مخالفان را آورده و بررسی کردند. یکی از ادله مخالفان مضمون آیه ۳۹ سوره نجم

است که نویسندگان مقاله اشاره‌ای به آن داشته‌اند، اما ورودی مفصل به بحث از آیه و بیان دیدگاه‌های مفسران و علمای مسلمان در معنای مفهوم سعی و ارتباط میان آیات موضوعی با یکدیگر نداشته‌اند.

۳. محدودیت پژوهش

هر پژوهش علمی در کنار دستاوردهای خود، با محدودیت‌های گریزناپذیری روبه‌روست که توجه به آن‌ها، مسیر را برای داوری دقیق‌تر و انجام پژوهش‌های آتی هموار می‌سازد. پژوهش حاضر نیز با محدودیت‌های زیر مواجه بوده است:

۱. محدودیت روش شناختی و زبان‌شناختی: این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس تحلیل متن و شبکه معنایی واژگان انجام شده است. از آنجا که واژگان و حیانی مانند «سعی»، «عمل» و «کسب» دارای ابعاد معنایی چندلایه و ذوب‌تون هستند، تحدید دقیق مرزهای معنایی آن‌ها در بستر زبان عربی عصر نزول، با چالش تکثر آرا و تفاسیر گوناگون روبه‌روست که دستیابی به یک تفسیر مطلقاً واحد را دشوار می‌سازد.

۲. محدودیت در قلمرو موضوعی و حجم مقاله: تمرکز اصلی این پژوهش بر واکاوی آیه ۳۹ سوره نجم و آیات همسو با آن بود؛ در حالی که تبیین جامع رابطه میان «سعی انسان» با مقولاتی چون «تقدیر الهی»، «هدایت و ضلالت» و «رحمت و اسعه»، نیازمند بررسی کلان‌تری در سرتاسر قرآن کریم است که تحلیل هم‌زمان آن‌ها به دلیل محدودیت‌های ساختاری و سقف حجم مجاز مقاله علمی امکان‌پذیر نبود.

۳. محدودیت در واکاوی تمام مکاتب تفسیری: گرچه تلاش شد آرا و دیدگاه‌های محوری مفسران بزرگ فریقین (شیعه و اهل سنت) استخراج و مقایسه شود، اما امکان بررسی تفصیلی رویکردهای کلامی خاص (مانند معتزله، اشاعره و ماتریدیه) و دلالت‌های تفسیری معاصر به صورت مجزا وجود نداشت.

۴. مفهوم‌شناسی سعی بر اساس لغت و تفاسیر

این بخش از آیات سوره نجم در سیاقی واحد، بر یکی از بنیادین‌ترین اصول حیات انسانی دلالت دارد؛ اصلی که بر پایه آن، انسان در گرو تلاش آگاهانه خویش است و هیچ‌کس بار مسئولیت دیگری را بر دوش نمی‌کشد. آیات «أَمْ لَمْ يُنَبِّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى * وَإِبرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى * أَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى * وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى * وَ أَنْ سَعْيُهُ سَوْفَ يَرَى * ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى» (نجم: ۳۶-۴۱) مجموعه‌ای منسجم را تشکیل می‌دهند که در آن، مسئولیت فردی، پیوند مستقیم عمل و جزا، و رؤیت نتیجه تلاش انسان در قیامت، به‌عنوان قاعده‌ای فراگیر معرفی شده است. بر این اساس، آیه ۳۹ سوره نجم صرفاً خبری

اخلاقی نیست، بلکه مبنایی قرآنی برای تبیین نسبت انسان، عمل، عدالت الهی و سرنوشت اخروی به شمار می‌رود.

همین معنا در آیات متعدد دیگری نیز تکرار شده است؛ از جمله آیه «إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أَخْفِيهَا يُتَجَزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ» (طه: ۱۵) که جزای هر نفس را به سعی او پیوند می‌دهد، و آیه «فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ» (انبیاء: ۹۴) که بر محفوظ ماندن تلاش انسان نزد خداوند دلالت دارد. همچنین در آیه «إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَ كَانَ سَعْيَكُمْ مَشْكُورًا» (انسان: ۲۲)، سعی انسان منشأ تکریم و پاداش معرفی شده و در آیات «يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَىٰ» (نازعات: ۳۵) و «وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ * لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ» (غاشیة: ۹-۸) نیز بازگشت انسان به حقیقت اعمال خویش مورد تأکید قرار گرفته است. افزون بر این، آیات آغازین سوره لیل، با ترسیم دو مسیر متقابل سعادت و شقاوت، نشان می‌دهد که تفاوت سرنوشت‌ها ناشی از تفاوت در سعی و انتخاب انسان‌هاست: «إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ» (لیل: ۴).

بررسی منابع لغوی و تفسیری نیز نشان می‌دهد که واژه «سعی» در زبان قرآن معنایی فراتر از حرکت ظاهری دارد. لغویانی چون فراهیدی، فیروزآبادی و ابن‌منظور برای آن معانی‌ای همچون حرکت سریع، دویدن، کسب، تلاش و اقدام در عمل ذکر کرده‌اند (فراهیدی، بی‌تا، ج ۲، ۲۰۲؛ فیروزآبادی، بی‌تا، ج ۴، ۳۴۲؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ۳۸۵). زمخشری اصل معنای آن را «تصرف و اقدام در عمل» دانسته و آیه «وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ» را ناظر به همین معنا معرفی کرده است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ۵۳۵). راغب اصفهانی نیز سعی را حرکتی همراه با جدیت و قصد می‌داند که اعم از خیر و شر استعمال می‌شود و آن را از «عدو» به معنای دویدن صرف، متمایز می‌سازد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۴۱۱).

مصطفوی در التحقیق، عنصر محوری سعی را تلاش مجازانه برای رسیدن به هدف می‌داند و معتقد است این مفهوم در هر زمینه‌ای متناسب با همان حوزه تحقق می‌یابد؛ خواه در حرکت و سفر باشد و خواه در اعمال عبادی مانند سعی صفا و مروه که حقیقت آن، کوشش هدفمند در مسیر رسیدن به مقصود است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۵، ۱۶۰). از همین‌رو، سعی در منطق قرآن تنها انجام یک فعل ظاهری نیست، بلکه تلاشی است که با نیت، آگاهی و جهت‌گیری ارادی همراه است. علامه طباطبایی نیز تصریح می‌کند که اثر هر عمل، اعم از خیر و شر، تنها به کسی بازمی‌گردد که آن را با قصد و اراده انجام داده باشد و اعمال

دیگران ذاتاً به انسان ملحق نمی‌شود (طباطبایی، ج ۱۹، ۴۶). فخر رازی نیز سعی را به معنای «تلاش جدی همراه با قصد» تفسیر کرده است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰، ۵۴۲).

بر همین اساس، بسیاری از مفسران آیه را چنین معنا کرده‌اند که انسان تنها مالک جزا و نتیجه عملی است که خود انجام داده است، نه عمل دیگری. شیخ طوسی تعبیر «لیس له من الجزاء إلا جزاء ما عمل دون ما عمله غیره» را در توضیح آیه آورده است (طوسی، ج ۹، ۴۳۵) و ابن‌کثیر نیز همین معنا را پذیرفته است (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹، ج ۷، ۴۳۱). طبری، قاضی عبدالجبار، فیض کاشانی و زحیلی نیز همگی بر این اصل تأکید دارند که ملاک پاداش و کیفر، عمل شخصی انسان است، نه انتساب خانوادگی یا اجتماعی او (ن.ک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۷، ۴۱؛ قاضی عبدالجبار، ۱۴۲۶، ۴۰۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸، ج ۵، ۹۶؛ زحیلی، ۱۴۱۸، ج ۲۷، ۱۲۹). در مقابل، برخی مفسران مانند حقی بروسوی کوشیده‌اند توضیح دهند که این انحصار به معنای نفی فضل الهی نیست، بلکه مقصود آن است که انسان تنها از رهگذر سعی خویش استحقاق می‌یابد و هرچه افزون بر آن باشد، از باب فضل و رحمت الهی است (حقی بروسوی، بی‌تا، ج ۵، ۱۸۹).

در برخی تفاسیر، رابطه میان دعا، توکل و سعی نیز مورد توجه قرار گرفته است. مغنیه معتقد است که خداوند اجابت را در چارچوب عمل و کوشش قرار داده، نه صرف آرزو و درخواست ذهنی. از نظر او، اگر بنا بود هر خواسته‌ای بدون عمل تحقق یابد، نظام زندگی مختل می‌شد؛ از همین رو، دستور قرآن به طلب فضل الهی در حقیقت دعوت به کار، تلاش و اعتماد به خداوند است، نه اتکا به کوشش دیگران (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۲، ۳۱۱). این برداشت، سعی را به‌عنوان محور مسئولیت انسان در سامان دادن به سرنوشت خویش برجسته می‌سازد.

در میان مفسران، برخی دیدگاه‌های محدود و متفاوت نیز دیده می‌شود. از ابوبکر و راق نقل شده که مراد از «ما سعی» همان نیت انسان است، با استناد به حدیث «یبعث الناس علی نیاتهم» (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۹، ۱۵۴). ربیع بن انس نیز آیه را مخصوص کافران دانسته و معتقد است مؤمن افزون بر سعی خود، از سعی دیگران نیز بهره‌مند می‌شود (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۵، ۲۰۶؛ ابن عاشور، بی‌تا، ج ۲۷، ۱۳۳). همچنین از عکرمه نقل شده که این حکم مربوط به امت‌های پیشین بوده و امت اسلامی از اعمال دیگران نیز بهره می‌برد (حقی بروسوی، ج ۹، ۲۴۷). با این حال، این دیدگاه‌ها بیشتر متأثر از پیش‌فرض‌های کلامی و مذهبی‌اند و با ظاهر سیاق آیات سوره نجم سازگاری کامل ندارند.

برخی مفسران بر جنبه **ontological** وجودی مسئله تأکید کرده‌اند. قرشی معتقد است انسان تنها نسبت به اعمال خویش مالکیت حقیقی دارد و سایر تعلقات او، مانند مال، مقام و فرزند، مالکیتی اعتباری و ناپایدار است؛ از همین رو، لام در «لِلْإِنْسَانِ» دلالت بر نوعی مالکیت حقیقی دارد که تنها در حوزه عمل تحقق می‌یابد (قرشی، ۱۳۷۷ش، ج ۱۰، ۴۱۹). ملاصدرا نیز با تکیه بر مبانی فلسفی خود، ثواب و عقاب اخروی را تجسم نفس اعمال انسان می‌داند و معتقد است نعمت و عذاب آخرت چیزی جز ظهور واقعی اعمال و اخلاق آدمی نیست؛ چنان‌که در حدیث نبوی آمده است: «إِنَّمَا أَعْمَالُكُمْ تَرَدُّ إِلَيْكُمْ» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶ش، ۱۸۷).

فرید وجدی نیز در مقایسه قوانین اسلام با نظام‌های بشری، اصل مسئولیت شخصی را یکی از مهم‌ترین امتیازات اندیشه اسلامی معرفی می‌کند. از نگاه او، سعادت و شقاوت انسان اموری درونی و وابسته به ایمان، عمل صالح و تهذیب نفس‌اند، نه اموری وابسته به نسب، ثروت یا جایگاه اجتماعی. وی در تأیید این معنا به آیات «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا * وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» و نیز خطاب پیامبر(ص) به حضرت فاطمه(س) استناد می‌کند که فرمود: «یا فاطمه اعملی، فإنی لا أغنی عنک من الله شیئاً»؛ بدین معنا که حتی نزدیک‌ترین پیوندهای نسبی نیز جایگزین عمل انسان نخواهد شد (وجدی، ۱۹۷۱م، ج ۵، ۲۵۲).

در مجموع، بررسی لغوی و تفسیری واژه «سعی» نشان می‌دهد که این مفهوم در قرآن بر تلاش آگاهانه، ارادی و هدفمند انسان دلالت دارد و آیه «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» یکی از صریح‌ترین مبانی قرآنی در تبیین مسئولیت فردی و نسبت مستقیم انسان با سرنوشت خویش است. بر این اساس، عدالت الهی بر محور مالکیت انسان نسبت به عمل خویش سامان می‌یابد و ارزش نهایی هر فرد نیز نه بر پایه وابستگی‌های بیرونی، بلکه بر اساس کیفیت سعی و جهت‌گیری ارادی او تعیین می‌شود.

۵. مفهوم‌شناسی سعی بر اساس کاربردهای قرآن

یک بخش از شناخت معنای دقیق (ما سعی) این است که بررسی شود این ماده لغوی در سایر آیات قرآن چه کاربرد معنایی داشته است، بعلاوه بنا بر تحقیق موضوعی در قرآن، چه آیاتی وجود دارند که مرتبط و همسوی با آیه مورد نظر هستند.

۴ - ۱. کاربردهای قرآنی ماده لغوی سعی

برای دستیابی به فهم دقیق‌تر از مفهوم «سعی» در آیه ۳۹ سوره نجم، بررسی کاربردهای قرآنی این ماده لغوی ضرورت دارد؛ زیرا یکی از مهم‌ترین راه‌های کشف معنای واژگان در قرآن، تحلیل استعمال‌های متنوع آنها در سیاق‌های گوناگون است. این روش نشان می‌دهد که واژه «سعی» در منطق قرآن صرفاً بر انجام یک عمل ظاهری دلالت ندارد، بلکه مفهومی ناظر به حرکت، جهت‌گیری، اراده و کوشش هدفمند انسان است؛ مفهومی که مستقیماً با مسئله مسئولیت فردی و شکل‌گیری سرنوشت انسان ارتباط پیدا می‌کند.

ماده «سعی» و مشتقات آن حدود ۳۰ مرتبه در قرآن به کار رفته و در حوزه‌های معنایی متعددی استعمال شده است. بخشی از این کاربردها به تلاش در جهت فساد و تباهی مربوط می‌شود؛ مانند آیات «وَ سَعَىٰ فِي خَرَابِهَا» و «وَ إِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا» (بقره: ۱۱۴ و ۲۰۵) و نیز آیات ۳۳ و ۶۴ سوره مائده که از سعی در فساد و جنگ با خدا سخن می‌گویند. در این موارد، «سعی» نشان‌دهنده حرکت هدفمند و برنامه‌ریزی‌شده در مسیر تخریب و انحراف است. بنابراین، قرآن حتی در حوزه شرّ نیز عنصر اراده و قصد را از مفهوم سعی جدا نمی‌کند.

در دسته‌ای دیگر از آیات، سعی در معنای سرعت در آمدن و حرکت سریع استعمال شده است؛ مانند آیه «فَخَذُوا رِبْعَةً مِنَ الطَّيْرِ...» (بقره: ۲۶۰)، یا آیه «وَ جَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى» (قصص: ۲۰؛ یس: ۲۰) و نیز «وَ أَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى» (عبس: ۸). در این موارد نیز، حرکت صرف مد نظر نیست، بلکه نوعی شتاب آگاهانه و هدفمند در جهت تحقق امری مهم مورد توجه قرار گرفته است؛ چنان‌که مرد مؤمن آل فرعون یا مؤمن سوره یس، با احساس مسئولیت و دغدغه هدایت، «یسعی» معرفی شده‌اند.

در برخی آیات، سعی به صورت مستقیم با سرنوشت اخروی انسان پیوند خورده است. آیه «وَ مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَ سَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا» (اسراء: ۱۹) به روشنی بیان می‌کند که وصول به سعادت اخروی در گرو سه عنصر است: اراده آخرت، سعی متناسب با آن، و ایمان. در اینجا نیز سعی صرف انجام عمل نیست، بلکه تلاش هماهنگ با مقصد و مبتنی بر انتخاب آگاهانه انسان است. در مقابل، قرآن از کسانی یاد می‌کند که «ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (کهف: ۱۰۴)؛ یعنی تمام تلاش آنان در دنیا گم و بی‌ثمر شده است. این تعبیر نشان می‌دهد که ارزش سعی، تنها به میزان فعالیت ظاهری وابسته نیست، بلکه جهت و مبنای معرفتی آن نیز تعیین‌کننده است.

در برخی دیگر از آیات، سعی در معنای شتاب و حرکت فوری آمده است؛ مانند «وَمَا أَعْجَلَكَ عَنْ قَوْمِكَ يَا مُوسَى» (طه: ۸۳)، یا «فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ» (جمعه: ۹). هرچند در ظاهر، معنا به حرکت و شتاب نزدیک است، اما در واقع، نوعی فراخوان به اهتمام، جدیت و روی‌آوری مسئولانه به امر الهی در آنها نهفته است. همچنین در آیاتی مانند «يَسْعَىٰ نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ» (حدید: ۱۲؛ تحریم: ۸)، سعی به حرکت نور تعبیر شده و بر پویایی و امتداد آثار ایمان و عمل انسان دلالت دارد.

قرآن در مواردی نیز از سعی در جهت مخالفت با آیات الهی سخن گفته است؛ مانند «وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ» (حج: ۵۱؛ سبأ: ۵ و ۳۸) و نیز «ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَىٰ» (نازعات: ۲۲) درباره فرعون. در این آیات، سعی به معنای تلاش آگاهانه برای مقابله با حق و جلوگیری از هدایت مردم است. بنابراین، کاربردهای قرآنی نشان می‌دهد که «سعی» هم در حوزه هدایت و هم در حوزه ضلالت، ناظر به کنش ارادی و اثرگذار انسان است؛ کنشی که در شکل‌گیری فرجام او نقش بنیادین دارد.

یکی دیگر از کاربردهای خاص این واژه در داستان حضرت ابراهیم و اسماعیل دیده می‌شود: «فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ» (صافات: ۱۰۲). مفسران این تعبیر را به مرحله‌ای از رشد و توانایی تفسیر کرده‌اند که انسان قدرت مشارکت در عمل و مسئولیت را پیدا می‌کند. در اینجا نیز سعی تنها به معنای حرکت جسمانی نیست، بلکه ناظر به ورود انسان به عرصه کنش آگاهانه و مسئولانه است.

در مجموع، بررسی همه کاربردهای قرآنی ماده «سعی» نشان می‌دهد که این واژه در قرآن همواره با نوعی جهت‌گیری، اراده، قصد و تلاش مؤثر همراه است. از همین رو، استعمال آن در آیه «وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» دلالت دارد بر اینکه معیار بهره‌مندی انسان در نظام الهی، صرف انتساب یا آرزو نیست، بلکه کوشش واقعی، آگاهانه و اختیاری اوست. بدین ترتیب، تحلیل کاربردهای قرآنی این ماده لغوی، به‌طور مستقیم از مسئله اصلی پژوهش پشتیبانی می‌کند و نشان می‌دهد که در گفتمان قرآن، سرنوشت انسان بر محور سعی و انتخاب مسئولانه او سامان می‌یابد.

۴ - ۲. آیات مرتبط و همسو با آیه ۳۹ نجم

یکی از راه‌های فهم دقیق مدلول آیه «وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» بررسی آیات همسو و هم‌مضمون در قرآن است؛ زیرا این آیات در کنار یکدیگر شبکه‌ای معنایی تشکیل می‌دهند که اصل «مسئولیت فردی انسان» را به‌عنوان قاعده‌ای فراگیر در نظام هدایت و جزای الهی تثبیت می‌کند. مطالعه این مجموعه آیات

نشان می‌دهد که قرآن به شیوه‌های گوناگون، پیوند مستقیم میان عمل انسان و سرنوشت او را بیان کرده و هرگونه جایگزینی کامل اعمال دیگران به جای عمل شخصی را نفی نموده است.

در بخشی از آیات، اصل عدم جانشینی انسان‌ها در حسابرسی اعمال مطرح شده است؛ مانند تعبیر «لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا» (بقره: ۴۸ و ۱۲۳) که بیان می‌کند هیچ نفسی به جای نفس دیگر جزا داده نمی‌شود. ادامه این آیات نیز تصریح دارد که در آن روز، نه شفاعتی بدون اذن الهی پذیرفته می‌شود و نه عوض و فدیهای کارساز خواهد بود. آیه «وَذَكَرْ بِهِ أَنْ تُبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ» (انعام: ۷۰) نیز انسان را در گرو اعمال خویش معرفی می‌کند؛ بدین معنا که هر فرد در نهایت، با حقیقت آنچه خود به دست آورده مواجه خواهد شد.

دسته‌ای دیگر از آیات بر تحقق کامل عدالت الهی در جزای اعمال تأکید دارند؛ آیاتی مانند «تُؤَفِّي كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (بقره: ۲۸۱؛ آل عمران: ۲۵ و ۱۶۱؛ نحل: ۱۱۱؛ زمر: ۷۰؛ غافر: ۱۷؛ جاثیه: ۲۲). در این آیات، دو اصل بنیادین در کنار هم قرار گرفته‌اند: نخست آنکه هر انسانی دقیقاً نتیجه اعمال خویش را دریافت می‌کند و دوم آنکه هیچ ظلم و کاستی در این محاسبه راه ندارد. بنابراین، رابطه میان سعی انسان و فرجام او، رابطه‌ای مستقیم، عادلانه و تغییرناپذیر است.

برخی آیات نیز این اصل را با مسئله توان و اختیار انسان پیوند داده‌اند؛ مانند «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» و «لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ» (بقره: ۲۸۶). بر اساس این آیات، مسئولیت انسان متناسب با ظرفیت و اختیار او تعریف می‌شود و هر فرد تنها در برابر آنچه خود کسب کرده، پاسخ‌گو خواهد بود. این نکته نشان می‌دهد که در منطق قرآن، مسئولیت فردی همواره با اصل عدالت و تناسب میان توان و تکلیف همراه است.

قرآن در آیات متعدد دیگری نیز عاقبت انسان را وابسته به اعمال خود او معرفی می‌کند؛ تعبیری مانند «وَ مَنْ يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ عَلَى نَفْسِهِ» (نساء: ۱۱۱)، «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا» (فصلت: ۴۶)، «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزال: ۷-۸) و «مَنْ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا» (یونس: ۱۰۸). این مجموعه آیات نشان می‌دهد که هدایت، ضلالت، خیر، شر، ثواب و عقاب، همگی در نهایت به خود انسان بازمی‌گردند و او نتیجه انتخاب و سعی خویش را خواهد دید.

در برخی آیات، مسئله رؤیت اعمال در قیامت مورد توجه قرار گرفته است؛ مانند «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ» (آل عمران: ۳۰)، «وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا» (کهف: ۴۹) و «عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا أُخْضَرَتْ» (تکویر: ۱۴). این آیات بیان می‌کنند که اعمال انسان در قیامت از بین نمی‌روند، بلکه حقیقت آنها نزد انسان حاضر می‌شود. از این منظر، سعی انسان نه تنها عامل تعیین‌کننده سرنوشت اوست، بلکه به صورت عینی و وجودی در آخرت آشکار خواهد شد.

از مهم‌ترین آیات همسو با آیه ۳۹ نجم، تعبیر «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» است که در آیات متعددی تکرار شده است (انعام: ۱۶۴؛ اسراء: ۱۵؛ زمر: ۷؛ نجم: ۳۸). این اصل، مسئولیت شخصی را به عنوان قاعده‌ای قطعی تثبیت می‌کند و نشان می‌دهد که هیچ انسانی بار گناه دیگری را حمل نمی‌کند. در کنار آن، آیاتی چون «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ» (مدثر: ۳۸)، «وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ» (حشر: ۱۸) و «لَتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ» (طه: ۱۵) نیز بر همین اصل تأکید دارند که انسان در گرو آن چیزی است که خود پیش فرستاده است.

با این حال، قرآن در آیاتی درباره گمراه‌کنندگان، از حمل بار دیگران سخن گفته است؛ مانند آیات ۱۲ و ۱۳ سوره عنکبوت و آیه ۲۵ سوره نحل. ظاهر این آیات ممکن است با اصل «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» ناسازگار به نظر برسد، اما مفسران توضیح داده‌اند که مقصود، انتقال کامل گناه دیگران نیست، بلکه گمراه‌کنندگان افزون بر گناه شخصی خود، مسئول پیامدهای گمراه‌سازی خویش نیز هستند. بنابراین، آنان دو عقوبت دارند: یکی برای انتخاب نادرست خود و دیگری برای تأثیری که بر انحراف دیگران گذاشته‌اند؛ در حالی که پیروان گمراه نیز همچنان مسئول انتخاب خود باقی می‌مانند (مراغی، بی‌تا، ج ۲۰، ۲۱؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۶، ۹۶).

از این رو، میان این دسته آیات و اصل مسئولیت فردی تعارضی وجود ندارد؛ زیرا قرآن همچنان بر این مبنا استوار است که هر انسانی نتیجه انتخاب و سعی خود را خواهد دید. حتی در آیاتی مانند «لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَكَلِهِ وَلَا مَوْلُوهُ هُوَ جَازٍ عَنِ وَالِدِهِ شَيْئًا» (لقمان: ۳۳)، روابط خویشاوندی نیز در حسابرسی نهایی بی‌اثر دانسته شده‌اند. همچنین آیات «وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا» (انعام: ۱۳۲؛ احقاف: ۱۹) تأکید می‌کنند که درجات انسان‌ها دقیقاً متناسب با اعمال خود آنان است.

در نهایت، مجموعه این آیات نشان می‌دهد که قرآن نظامی منسجم از مسئولیت اخلاقی و وجودی انسان ترسیم می‌کند که در آن، سعی و انتخاب آگاهانه انسان محور تعیین سرنوشت اوست. هدایت و ضلالت،

پاداش و عقاب، قرب و بُعد الهی، همگی در پیوند با کیفیت اعمال و نوع جهت‌گیری انسان معنا می‌یابند. از این منظر، آیه ۳۹ سوره نجم نه یک گزاره منفرد، بلکه بخشی از منظومه‌ای گسترده در قرآن است که بر استقلال انسان در عمل، عدالت الهی و پیوند مستقیم میان سعی و فرجام تأکید دارد.

۶. چگونگی اعمال آدمی برای اموات

یکی از مهم‌ترین پرسش‌هایی که در پی تفسیر آیه «وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» مطرح می‌شود، مسئله تأثیر اعمال زندگان بر سرنوشت اخروی مردگان است. اگر بر اساس منطق آیه، هر انسانی تنها مالک سعی و عمل خویش است، این پرسش پدید می‌آید که آیا صدقه، دعا، نذر، حج یا سایر اعمال نیک زندگان می‌تواند موجب افزایش ثواب یا تغییر وضعیت اخروی اموات شود؟ طرح این مسئله از آن جهت اهمیت دارد که پاسخ آن، حدود اصل «مسئولیت فردی» و میزان ارتباط انسان با اعمال دیگران را در نظام فکری قرآن روشن می‌سازد.

گروهی از مفسران با استناد به ظاهر آیات قرآن، به‌ویژه آیات ۳۸ و ۳۹ سوره نجم، معتقدند هر انسان تنها نتیجه اعمال خود را دریافت می‌کند و هیچ‌کس از رهگذر عمل دیگری مستحق پاداش یا کیفر نمی‌شود (فیض کاشانی، ج ۲، ۱۲۲۹؛ سید قطب، ج ۶، ۳۴۱۴). قرطبی نیز از اجماع بیشتر مفسران سخن گفته و تصریح کرده است که عمل هیچ فردی جایگزین عمل دیگری نمی‌شود و کسی نمی‌تواند عبادتی مانند نماز را به‌طور حقیقی به جای دیگری انجام دهد (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۱۷، ۱۱۴). این دیدگاه، آیه «وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» را اصلی بنیادین در نظام جزا و پاداش الهی می‌داند؛ اصلی که بر استقلال انسان در عمل و مسئولیت استوار است.

با این حال، برخی مفسران و متکلمان کوشیده‌اند با استناد به برخی آیات و روایات، نوعی انتفاع مردگان از اعمال زندگان را اثبات کنند. از جمله به آیه «وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ اتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ» (طور: ۲۱) استناد شده و گفته‌اند که فرزندان به سبب صلاح پدران به آنان ملحق می‌شوند (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ۱۳۰). حتی در برخی نقل‌ها ادعا شده که این آیه ناسخ آیه «وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» است. با این‌همه، بیشتر مفسران این ادعای نسخ را نپذیرفته و آیه نجم را از آیات محکم قرآن دانسته‌اند. ابوالفتوح رازی تصریح می‌کند که میان این دو آیه هیچ تعارضی وجود ندارد و هر دو بر ظاهر خود باقی‌اند؛ زیرا الحاق ذریه به مؤمنان به معنای نفی مسئولیت فردی یا انتقال کامل عمل نیست (رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۸، ۱۹۳).

در تبیین این مسئله، برخی مفسران بر این نکته تأکید کرده‌اند که اعمال انسان هرگز نابود نمی‌شود، بلکه به صورت‌های مختلف باقی می‌ماند و آثار آن استمرار پیدا می‌کند. مدرسی معتقد است اعمال انسان، چه قلبی و چه رفتاری، در نظام هستی محفوظ می‌مانند و ممکن است به شکل آثار اجتماعی، تربیتی یا معنوی بازگردند (مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۱۴، ۱۸۸). از این منظر، اگر فردی در دنیا منشأ هدایت، تربیت یا ایجاد سنت نیکو باشد، آثار آن پس از مرگ نیز استمرار می‌یابد، اما این استمرار در حقیقت امتداد همان سعی شخصی اوست، نه انتقال مستقل اعمال دیگران به او.

برخی مفسران نیز بهره‌مندی مردگان از اعمال زندگان را در چارچوب پیوند ایمانی و تربیتی تفسیر کرده‌اند. گنابادی معتقد است بهره‌ای که مردگان از اعمال نیک بازماندگان می‌برند، در حقیقت ناشی از همان محبت، ایمان و تربیتی است که خود آنان در دنیا پدید آورده‌اند (گنابادی، ۱۴۰۸، ج ۴، ۱۲۵). قرطبی نیز با استناد به روایات متعدد، اصل انتفاع مؤمن از اعمال نیک دیگران را پذیرفته است، اما این مسئله را در تعارض با اصل قرآنی مسئولیت فردی نمی‌داند (قرطبی، ج ۱۷، ۱۱۴). شبّر نیز توضیح می‌دهد که اعمالی مانند حج، صدقه یا دعا برای میت، در صورتی سودمند است که بر پایه ایمان و زمینه‌ای باشد که خود شخص در دنیا فراهم کرده است؛ در این حالت، انجام‌دهنده عمل به منزله نایب یا نماینده او عمل می‌کند (شبّر، ۱۴۰۷، ج ۶، ۱۱).

زمخشری در پاسخ به این اشکال که چگونه صدقه یا حج نیابتی برای میت سودمند دانسته شده، دو احتمال مطرح می‌کند. نخست آنکه انتفاع میت، در حقیقت مبتنی بر ایمان و صلاح خود اوست؛ یعنی زمینه این بهره‌مندی را خود او فراهم کرده است. دوم آنکه اگر شخصی عملی را به نیابت از دیگری انجام دهد، در حکم نماینده او محسوب می‌شود و از این جهت، منافاتی با آیه ندارد (زمخشری، ج ۴، ۴۲۸). بدین ترتیب، حتی در این تفسیرها نیز اصل استقلال انسان در مسئولیت و عمل محفوظ باقی می‌ماند.

در همین راستا، سید مرتضی در بحث حج نیابتی تصریح می‌کند که اگر میت پیش از مرگ وصیت کرده باشد، عمل نایب در امتداد اراده و قصد خود او قرار می‌گیرد و از این جهت می‌توان سهمی از ثواب را برای او در نظر گرفت؛ اما اگر چنین قصد و زمینه‌ای وجود نداشته باشد، ثواب تنها برای انجام‌دهنده عمل خواهد بود (سید مرتضی، ۱۴۳۱، ج ۳، ۳۶۶). این تحلیل نیز نشان می‌دهد که حتی در نیابت‌های عبادی، عنصر «قصد» و «سعی» شخص اصلی نقش محوری دارد.

در مقابل، برخی مفسران تصریح کرده‌اند که نصوص قرآن اجازه نمی‌دهد انسان به واسطه عمل دیگری مورد محاسبه یا مؤاخذه قرار گیرد. از همین رو، انسان تا زمانی که در دنیا فرصت عمل دارد، باید سرنوشت خود را با ایمان و عمل صالح رقم بزند. سید قطب بر این باور است که انسان تنها بر اساس تلاش و کسب خویش محاسبه می‌شود و پس از مرگ، امکان عمل از او گرفته می‌شود؛ مگر آن دسته از آثار ماندگاری که در حقیقت امتداد عمل خود او هستند، مانند فرزند صالح، صدقه جاریه و علم نافع (سید قطب، ج ۶، ۳۴۱۴). بنابراین، استمرار آثار عمل با انتقال مستقل ثواب تفاوت دارد.

قرآن در برخی آیات، حتی پیامبر (ص) و مؤمنان را از طلب آموزش برای مشرکان نهی می‌کند: «مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ...» (توبه: ۱۱۳). این آیه نشان می‌دهد که پیوندهای عاطفی و خویشاوندی، جایگزین ایمان و عمل شخصی نمی‌شوند. در نتیجه، اصل قرآنی بر آن است که پاداش و مجازات، امری شخصی و وابسته به سعی خود انسان است و هیچ نوع خلط یا انتقال مطلق میان اعمال افراد رخ نمی‌دهد.

از سوی دیگر، آیاتی وجود دارند که از الحاق همسران و فرزندان صالح به مؤمنان در قیامت سخن می‌گویند؛ مانند «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ» (طور: ۲۱)، یا آیات مربوط به ورود خانواده‌های صالح به بهشت (رعد: ۲۳؛ غافر: ۸). با این حال، این آیات نیز تصریح می‌کنند که هر فرد در گرو اعمال خویش است: «كُلُّ أُمَّرٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ». بنابراین، الحاق خانوادگی در قیامت ناشی از اشتراک در ایمان و صلاح است، نه انتقال عمل یک فرد به دیگری. به نظر می‌رسد قرآن از این شیوه بیانی برای تشویق انسان‌ها به ایمان و عمل صالح بهره برده است؛ زیرا یکی از عمیق‌ترین تمایلات انسان، همراهی با نزدیکان و محبوبان خویش است.

یک نظر هم این است که نفع رساندن عمل فرزندان به پدران، نقض آیه ۳۹ نجم نیست؛ زیرا تربیت فرزند صالح، خود بخشی از سعی و تلاش پدر و مادر است. در واقع فرزند صالح، امتداد وجودی و سعی والدین محسوب می‌شود. علامه طباطبائی بر این نظر است که خداوند متعال به کسانی که ایمان آورده‌اند یادآوری می‌کند که فرزندان را که با نوعی ایمان از آنها پیروی کرده‌اند، هرچند کمتر از درجه ایمان آنها باشد، به سوی آنها خواهد آورد تا چشمانشان به آن روشن شود. و با این کار، با گرد هم آوردن آنها چیزی از پاداش

اعمال والدین کاسته نمی‌شود، بلکه به آنها همان چیزی را که به آنها داده است، یا به گونه‌ای که باعث اختلاف نشود، همانطور که او بهتر می‌داند، خواهد داد (طباطبائی، ج ۱۳، ۱۹).

در مقابل، آیات دیگری تصریح می‌کنند که خویشاوندان و فرزندان در قیامت سودی برای انسان نخواهند داشت؛ مانند «لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (ممتحنه: ۳) و «وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا» (سبأ: ۳۷). همچنین در آیات سوره عبس، انسان در روز قیامت چنان گرفتار سرنوشت خویش است که حتی از نزدیک‌ترین بستگان خود می‌گریزد: «لِكُلِّ امْرِيٍّ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ» (عبس: ۳۷). این آیات به روشنی نشان می‌دهد که معیار نهایی در نظام جزا و پاداش الهی، ایمان و عمل خود انسان است، نه وابستگی‌های خانوادگی و اجتماعی.

در میان مفسران آن گونه که نگارنده جستجو داشته فقط علامه طباطبایی هست که در تفسیر آیات شفاعت به رابطه و نسبت آیه ۳۹ سوره نجم با موضوع شفاعت توجه نموده است، به نحوی که شفاعت را در تعارض با اصل مسئولیت فردی نمی‌داند، بلکه آن را در چارچوب نظام اسباب الهی تفسیر می‌کند. وی ذیل آیه «وَأَتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ» (بقره: ۴۸) و استناد به آیه «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ فِي جَنَّاتٍ...» (مدثر: ۴۲) تصریح می‌کند که شفاعت تنها درباره کسانی تحقق می‌یابد که نوعی ارتباط ایمانی و قابلیت معنوی در آنان باقی مانده باشد و از این رو، شفاعت امری مستقل از سعی انسان نیست، بلکه در امتداد همان ایمان و زمینه‌ای قرار دارد که شخص در دنیا فراهم ساخته است (ن.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۵۹-۱۶۷). همچنین ذیل آیه «وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَىٰ» (انبیاء: ۲۸) تأکید می‌کند که رضایت الهی نسبت به شخص مورد شفاعت، ناظر به اصل ایمان و جهت‌گیری اوست و شفاعت شامل کسانی نمی‌شود که پیوند خویش را به‌طور کامل با خداوند قطع کرده‌اند (همان، ج ۱۴، ص ۲۹۱).

علامه درباره نفع بردن از شفاعت شفیعان در روز قیامت هم معتقد است که «بهره‌مندی از شفاعت شفیعان در روز قیامت برای صاحبان گناهان کبیره، سعی جمیلی در این زمینه است، زیرا آنها وارد حلقه ایمان به خدا و آیات او شده‌اند. همچنین مؤمن پس از مرگش از طلب آموزش مؤمنان برای او بهره‌مند می‌شود و اعمال نیکی که منجر به پاداش او می‌شود، مربوط به تلاش او برای ورود به جمع مؤمنان، افزایش تعداد آنها و تقویت ایمانشان است که یکی از آثار آن، اعمال نیک آنهاست (همان، ج ۱۹، ۴۶).

افزون بر این، علامه «شاکله» در آیه «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا» (اسرا: ۸۴) را همان هیئت و ساختار روانی فرد می‌داند که از مجموع عوامل وراثتی و تربیتی پدید آمده است. ایشان تاکید دارند که شاکله، انسان را به سوی عمل متناسب با خود دعوت می‌کند اما او را مجبور نمی‌کند؛ لذا مسئولیت فردی (سعی) همچنان به قوت خود باقی است.

علامه در همین راستا به عوامل نقش آفرین در پیدایش اعمال آدمی پرداخته و به این حقیقت اشاره دارد که انسان به طور غریزی از طریق ابزارهایی مانند آموزش، تربیت، انذار، موعظه، وعده، تهدید، امر و نهی و غیره، اهداف زندگی را جستجو می‌کند، و با اراده و اختیار خود هر مسیری را که بخواهد انتخاب می‌کند، و برای هر تلاشی پاداشی متناسب با آن را دریافت خواهد کرد. بعلاوه ایشان به نوعی ارتباط پایدار بین اعمال و قوا و شرایط، اوضاع و عوامل بیرونی خارج از فرد، مانند آداب و رسوم، سنت‌ها و اعمال تصریح دارد، چون این عوامل بیرونی، اعمال او را طوری شکل می‌دهند که با شرایط و اوضاع و احوال اطراف زندگی اش همسو شود. با این وصف، انسان صورتی پس از صورت دیگر پیدا می‌کند که هر صورتی بر اساس نوع خلقت و ویژگی ساختمانش آماده شده است. این یک شخصیت اخلاقی است که از تعامل سیستم‌های فیزیکی او با یکدیگر حاصل می‌شود، مانند خلق و خو که یک کیفیت میانی است که از تعامل ویژگی‌های متضاد با یکدیگر حاصل می‌شود. لذا هر شخصیتی که فرد داشته باشد، هر ویژگی روانی یا حالت معنوی درونی که داشته باشد، اعمال او منعکس کننده و تجسم آن است. به عنوان مثال، فرد متکبر و مغرور، ماهیت خود را در گفتار و سکوت، ایستادن و نشستن، حرکت و سکون خود نشان می‌دهد. به همین ترتیب، فرد فروتن و متواضع، فروتنی و تواضع خود را در تمام اعمال خود نشان می‌دهد. همین امر در مورد شجاع و بزدل، سخاوتمند و بخیل، صبور و باوقار، عجول و غیره نیز صدق می‌کند. چگونه می‌تواند غیر از این باشد، وقتی اعمال نمایانگر فاعل خود هستند، ظواهر منعکس کننده طبیعت درونی هستند و شکل، گواهی بر معناست (ن.ک: همان، ج ۱۳، ۱۸۹-۱۹۱).

در مجموع، تحلیل آیات و دیدگاه‌های تفسیری نشان می‌دهد که قرآن اصل مسئولیت فردی را به عنوان قاعده‌ای محوری در سرنوشت انسان تثبیت کرده است. هرگونه انتفاع انسان از اعمال دیگران، در صورتی قابل تبیین است که در امتداد سعی، ایمان، تربیت و زمینه‌ای باشد که خود شخص در دنیا فراهم کرده است. از این رو، اعمال نیک دیگران نمی‌توانند جایگزین سعی انسان شوند یا به‌طور مستقل بر نامه عمل او افزوده

گردند، بلکه نهایتاً در چارچوب آثار تربیتی، هدایتی و امتداد عمل صالح خود فرد قابل فهم‌اند. بدین ترتیب، آیه «وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» همچنان به‌عنوان اصل حاکم بر مسئولیت و سرنوشت انسان در گفتمان قرآن باقی می‌ماند.

۷. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تمرکز بر آیه «وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» در صدد تبیین جایگاه سعی در نظام فکری قرآن و نسبت آن با مسئولیت و سرنوشت انسان بود. بررسی لغوی، تفسیری و تحلیل کاربردهای قرآنی این واژه نشان داد که سعی در منطق قرآن صرفاً به معنای حرکت یا انجام عمل ظاهری نیست، بلکه بر کوشش آگاهانه، ارادی، هدفمند و جهت‌دار انسان دلالت دارد؛ تلاشی که با نیت، انتخاب و مسئولیت فرد پیوند خورده و مبنای ارزیابی او در نظام جزا و پاداش الهی قرار می‌گیرد.

تحلیل منابع لغوی و آرای مفسران نشان داد که بیشتر لغویان و مفسران، سعی را به معنای تلاش جدی و کنش همراه با قصد دانسته‌اند و آیه ۳۹ سوره نجم را از بنیادی‌ترین آیات قرآن در تثبیت اصل مسئولیت فردی معرفی کرده‌اند. بر اساس این اصل، انسان تنها مالک حقیقی عمل خویش است و رابطه‌ای مستقیم میان سعی او و سرنوشت نهایی‌اش برقرار است. از همین‌رو، ملاک ارزش‌گذاری انسان در قرآن نه نسب، جایگاه اجتماعی، تعلقات قومی و خانوادگی، بلکه کیفیت سعی و جهت‌گیری ارادی اوست.

بررسی کاربردهای قرآنی ماده «سعی» نیز نشان داد که این واژه در همه استعمال‌های خود، چه در حوزه هدایت و ایمان و چه در عرصه فساد و ضلالت، ناظر به کنش مؤثر و آگاهانه انسان است. قرآن در آیاتی مانند «وَ مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَ سَعَى لَهَا سَعْيَهَا» و «إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى» تفاوت سرنوشت انسان‌ها را نتیجه تفاوت در نوع سعی و انتخاب آنان معرفی می‌کند. از این منظر، سعادت و شقاوت انسان حاصل نوع جهت‌گیری و تلاش اختیاری اوست و هر فرد نتیجه اعمال خویش را در دنیا و آخرت مشاهده خواهد کرد.

همچنین بررسی آیات همسو با آیه ۳۹ سوره نجم نشان داد که اصل مسئولیت فردی یکی از قواعد فراگیر قرآن است. آیاتی مانند «وَ لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى»، «لَتُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى» و «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةً» همگی بر این حقیقت تأکید دارند که هیچ انسانی بار عمل دیگری را بر دوش نمی‌کشد و هر فرد در گرو آن چیزی است که خود کسب کرده است. در نتیجه، نظام جزا و پاداش الهی بر پایه عدالت، اختیار و تناسب میان عمل و نتیجه استوار است.

در بخش مربوط به انتفاع اموات از اعمال زندگان نیز روشن شد که هرچند برخی اعمال مانند دعا، صدقه، حج نیابتی و آثار تربیتی می‌توانند در سرنوشت اموات مؤثر باشند، اما این مسئله در تعارض با اصل «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» قرار نمی‌گیرد؛ زیرا این بهره‌مندی‌ها در حقیقت در امتداد سعی، ایمان، تربیت و زمینه‌ای است که خود شخص در دنیا فراهم ساخته است. بنابراین، قرآن انتقال مستقل و مطلق عمل دیگران را نمی‌پذیرد، بلکه هرگونه انتفاع را در چارچوب استمرار آثار سعی خود انسان تفسیر می‌کند.

برآیند کلی پژوهش نشان می‌دهد که آیه «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» صرفاً یک گزاره اخلاقی یا تربیتی نیست، بلکه اصلی بنیادین در انسان‌شناسی و عدالت‌شناسی قرآن به شمار می‌رود. این آیه، انسان را موجودی مسئول، مختار و پاسخ‌گو معرفی می‌کند که سرنوشت او بر محور سعی و انتخاب خویش شکل می‌گیرد. از این رو، قرآن با تأکید بر پیوند مستقیم میان عمل و فرجام، انسان را به تلاش آگاهانه، مسئولیت‌پذیری و اصلاح مستمر خویش فرا می‌خواند و هرگونه اتکای صرف به عوامل بیرونی، انتساب‌های اجتماعی یا اعمال دیگران را در تعیین سعادت نهایی ناکافی می‌داند.

منابع :

۱. ابن جرّی، محمد بن احمد. (۱۴۱۶ق). *التسهيل لعلوم التنزيل*. بیروت: دار الأرقم بن أبی الأرقم.
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر. (بی تا)، *التحریر و التنبیر*، بیروت: مؤسسه التاریخ.
۳. ابن عطیه، عبدالحق بن غال. (۱۴۲۲). *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹). *تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
۶. برومند، محمدحسین. (۱۳۸۱ش). «قرآن و نظریه تأثیر متقابل اعمال». *پژوهشهای قرآنی*. شماره ۳۲.
۷. بلاغی، محمد جواد. (۱۴۲۰ق). *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*. قم: بنیاد بعثت.
۸. بلخی، مقاتل بن سلیمان. (۱۴۲۳ق). *التفسیر*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۹. ثعلبی، احمد بن ابراهیم. (۱۴۲۲ق). *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۰. حقی بروسوی، اسماعیل. (بی تا). *تفسیر روح البیان*. بیروت: دار الفکر.
۱۱. رازی، ابوالفتح. (۱۴۰۸ق). *روض الجنان و روح الجنان*. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی.
۱۲. رازی، زین الدین. (۱۴۲۳ق). *أسئلة القرآن المجید و أجوبتها*. بیروت: المكتبة العصریة.

۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). *المفردات فی الفاظ غریب القرآن*. بیروت: دارالقلم.
۱۴. زحیلی، وهبه بن مصطفى. (۱۴۱۸ق). *تفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج*. بیروت - دمشق: دار الفکر المعاصر.
۱۵. زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. بیروت: دار الکتب العربی.
۱۶. سمرقندی، نصر بن محمد. (بی تا). *بحر العلوم*، بیروت: دارالفکر.
۱۷. سید قطب. (۱۴۱۲ق). *فی ظلال القرآن*. بیروت: دارالشروق.
۱۸. سید مرتضی علم الهدی، علی بن حسین. (۱۴۳۱ق). *نفائس التأویل*. بیروت: شركة الأعلمی للمطبوعات.
۱۹. سیوطی، جلال الدین. (۱۴۰۴ق). *الدرر المنثور فی تفسیر المأثور*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲۰. شبّر، سید عبدالله. (۱۴۰۷ق). *الجواهر الثمین فی تفسیر کتاب المبین*. کویت: مکتبه الألفین.
۲۱. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۶). *تفسیر القرآن الکریم*. قم: انتشارات بیدار.
۲۲. طباطبائی، محمد حسین. (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۴. طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). *جامع البیان عن تأویل آی القرآن*، بیروت: دار المعرفة.
۲۵. عزه دروزه، محمد. (۱۳۸۳ق). *التفسیر الحدیث*. القاهرة: دار احیاء الکتب العربیة.
۲۶. فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۷. فراهیدی، خلیل بن احمد. (بی تا). *کتاب العین*. تحقیق: مهدی المخزومی، ابراهیم السامرائی، دار و مکتبه الهلال.
۲۸. فرید وجدی، محمد. (۱۹۷۱م). *دایرة المعارف القرن العشرين*. بیروت: دارالفکر.
۲۹. فضل الله، سید محمد حسین. (۱۴۱۹ق). *من وحی القرآن*. بیروت: دار الملائک لطباعة و النشر.
۳۰. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (بی تا). *القاموس المحیط*. بیروت: دارالعلم.
۳۱. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی. (۱۴۱۸ق). *الأصفی فی تفسیر القرآن*. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۲. قاضی عبدالجبار، عبدالجبار بن احمد. (۱۴۲۶ق). *تنزیه القرآن عن المطاعن*. بیروت: دار النهضة الحدیثیة.
۳۳. قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۷ش). *تفسیر احسن الحدیث*. تهران: بنیاد بعثت.
۳۴. قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴ش). *الجامع لأحكام القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۳۵. گنابادی، سلطان محمد. (۱۴۰۸ق). *بیان السعادة فی مقامات العبادة*. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

۳۶. مدرسی، سید محمد تقی. (۱۴۱۹ق). *من هدی القرآن*. تهران: دارمحبی الحسین.
۳۷. مراغی، احمد مصطفی. (بی تا). *تفسیر المراغی*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۳۸. مصطفوی، حسن. (۱۴۳۰ق). *التحقیق فی کلمات القرآن*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
۳۹. مصطفوی، جواد. (۱۳۵۲ش). «لیس للانسان الا ما سعی». *نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی* مشهد، شماره ۸ - ۹، صص ۱۰۰ - ۱۱۶.
۴۰. مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۴). *تفسیر الکاشف*. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۴ش). *تفسیر نمونه*. تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۴۲. نواب، سید ابوالحسن، و سید مصطفی عبدالله زاده. (۱۳۹۷ش). «نفع بردن اموات از ثواب اعمال زنده‌ها از نگاه سلفیه و اهل سنت». *دوفصلنامه سلفی پژوهی*. سال چهارم. شماره ۸، صص ۴۷ - ۶۸.